دیکته نوبت دوم پایه دوم

در یک روز تعطیل با دوستانم تصمیم گرفتیم به طبیعت برویم . ما به صورت گروهی سوار ماشین شدیم .معلم پیشنهاد داد اول استراحت کنیم بعد غذا بخوریم .

ما منتظر یکدیگر شدیم تا در سکوت غذا بخوریم ,خانم آموزگار گفت : مواظب باشید تا خطری برای شما پیش نیاید .

به نصیحت او گوش دادیم و آرام شروع به بازی کردیم .

دو پرنده شبیه به هم دیدیم , طولی نکشید که پرواز کنان به طرف شاخه ها رفتند .

مأمورپارک ما را راهنمایی کرد , او گفت به گل های شادو با نشاط دست نزنید .

این گردش باعث شد ما با موجودات خطرناک و جدید آشنا شویم ,مثلاً قورباغه و دارکوب را دیدیم.

اعضای خانواده مثل همیشه به موقع رسیدند .لحظه ی تحویل وسایل همه خوش حالی خداحافظی کردیم .

خدایا ! از تو سپاس گزارم که به من لطف کردی تا سفرخوب و خوشی داشته باشیم , گردش به ما خوش گذشت .